

ضمنیمه ۲۵

پیغام اسلام



شماره ۴۰

بیانیه
اتحاد هیمار زان گمونیست
درباره

و ضعیت اکنونی،

چشم از سد از آن

و

و ضایف گمونیست ها

وضعیت کنونی ، جسم اندازان و وظایف کمونیستها
، (ساسه انعام مبارزان کمونیست)

- ۱ - بحران سیاسی کنونی که در وله اول در شدت بافت
جدال جناحهای حاکمیت تجلی پیدا کرده است ، در واقعیت امر نه
یک بحران درونی رژیم حاکم ، بلکه یک بحران سیاسی عمومی جامعه
است که در ادامه خود مبالغه فدالت سیاسی را بار دیگر در کل
جامعه و پیش از طبقات اصلی آن ، پرولتاپیا و سورزاژی طرح
می کند . بحران کنونی موآغاز سقوط رژیم جمهوری اسلامی است .
- ۲ - این بحران بسیانگر این واقعیت است که رژیم جمهوری
اسلامی ضرورت اجتماعی بقا خود را از دست داده است و به بسیان
کار خود رسیده است . زیرا :

اولا : از سقطه نظر سورزاژی ایران ، رژیم جمهوری اسلامی
از ابتداء منابه یک ایزار سیاسی موقت ، با وظیفه معین
سرکوب انقلاب تحقیق نام انقلاب ، مطرح بوده است و بدینه است که
با این ترسیب بدرجه ای که جمهوری اسلامی به انجام رسالت خود در
خدمت سورزاژی و امیر بالیسم توفیق یابد و زمینه های اقتصادی و
سیاسی اعاده اوضاع بین از انقلاب را برای سورزاژی فراهم سازد
به پایان عمر مفید خود را دیگر می بود و سرانجام که در انجام وظیفه
سرکوب انقلاب عملایه بین بست رسد ، فلسفه وجودی خود را از دست
داده و ضرورت جایگزینی اش با ایزار سرکوب طبقاتی موثرتر برای
سورزاژی طرح می گردد . جمهوری اسلامی در طول دوران بین از قیام
فعالانه در ایجاد زمینه های اعاده حکومت بلا منازع سورزاژی کوئیده
است و توفیقات نسی در این امر را داشته است . سازمانی و تطهیر
اوتش بمنابه ایزار متعارف سرکوب قهرآمیز طبقاتی ، بازسازی و
تطهیر بوروکراسی ما فوق مردم ، مشروعيت بخشیدن به مالکیت
خومی کاپیتالیسی ، تعریف آزمایشگاهی دموکراتیک توده ها ، تحمل
نفر و فلاکت وسیع بر توده های کارگر و زحمتکش - اصری که شرط

علاوه‌ای به حفظ حاکمیت کشوری ندارد، بلکه تلاش نوینی را برای
بزیر کشیدن آن آغاز کرده‌اند. پس از دوگاه انقلاب نیز بسیار
صرمانه شر از بورژوازی و امپریالیسم، خواهان خشم گار رزیم
جمهوری اسلامی است.

۲- بدین ترتیب این شدید رقابت میان جناحهای حاکمیت
نیست که بقا روزیم را به زیر سوال برد، است بلکه بالعکس، این
اختصار ناگزیر روزیم به دلیل شرایط هیچ احتمالی است که اختلاف
میان جناحهای تشکیل دهنده آنرا ثابت نخواهد بود. آن شیوه‌های
سیاسی متفاوتی که، با منافع، اهداف و شیوه‌های مختلف است، در
اشتباع خدا مقلاس روزیم جمهوری اسلامی را شکل داده بودند، امروز
که عجز روزیم در جلوگیری از بسط دامنه انقلاب از پیش، و در جلب
و حفظ جماعت بورژوازی و امپریالیسم از سوی دیگر، آشکار شده
است؛ هر یک ناگزیر است غالب پوسیده اشتباع رها کرده و تحفظ
اهداف و بقای سیاسی خود را در انتقال نوینی جستجو کند:

الف- حزب جمهوری اسلامی - و به اختصار آن روزیم جمهوری
اسلامی - اینکه از مظلوبیت طبقاتی خود برای بورژوازی کاملاً تهیی
شده و بقا آن در قدرت، که بهارخال نمی‌تواند برای مذهب طولانی
آداید یا بد اساس و عدالت به خواه او در حاکم کردن و استنسار
بخشیدن به هو ترور سیاه از طریق ارگانهای نظامی و شبه نظامی
و باندهای سیاه و استثن شده است. پیلاوه حزب در سطح بین الحللی
قابليت جلب حمایت فصال بورژوازی داخل و با پسپورت بورژوازی
امپریالیست را خواهد و از این‌رو و از نظر سیاسی بسیار مضری و
خواهد بود. روزیم جمهوری اسلامی در غیاب پایگاه استوار طبقاتی
ناگزیر است همین خود را در میان ترکیب ناهمگویی از اقتدار
جا مده جستجو کند. ترکیبی از: سرمایه‌داران و محترمیت‌کاریزی
پهراز اقتصادی به سودهای کلان دست باقیاند، روحانیون که
موقعیت "منی" خود را کامل در خطر بافته‌اند، ریشه‌خوارانی که
از قبیل روزیم به نان و شوای رسیده‌اند و بعضاً توده‌های پرخوردار

لزوم تحفظ سحران اقتصادی سرمایه‌داری ایران است. بیرون کشیدن
دول و اتحادات امپریالیستی از زیر خربات انقلاب، تلاش در سکوب حبس
انقلابی خلق کرده‌هام سلیمانی سیاسی وسطایی به جنبش کوششی
و کارگری تصویری از این توقفات نسبی رژیم به دست می‌دهد.
از سوی دیگر امروز کا لا اشکار شده است که روزیم در مقابله با
انقلاب و مبارزات اوجکبرنده توده‌های کارگر و زحمتکش، تمامی
انزوی و قابلیت خود را معرف داشته و توان فواتر رفتان را ندارد.
این بن بت در سکوب انقلاب، سرای بورژوازی معنایی هر ضرورت
دست شتن از روزیم کوشی و آغاز بروزه جاگیری عملی آن بسا
ابزار حکومتی نوین ندارد. پرسه‌ای که توقفات نسبی روزیم خود را
حدود زیادی امکان عملی آنرا سرای بورژوازی و امپریالیسم
فرام آورده است. در یک کلام سورژوازی ایران ساگزیر است و این
امکان را نیز دارد که از جمهوری اسلامی دست‌ستوده و در مدد
جاگزیری آن با ابزار حکومتی موثرتری برآید.

ثانياً، از نظر اردوگاه انقلاب و بوبزه از نظر پرولتاریسا
روزیم جمهوری اسلامی باید برود. اگر در ماههای اول بس از قبایم
روزیم با داعیه سرخاستن از دل قیام سیم به نقطه امید توده‌های
کارگر و زحمتکش و نیز متأسفانه سازمانهای انقلابی آنان، سرای
تحقیق اهداف قبایم پیدل شده بود و بدمیستان قربانیان خود را بسیه
حامیان خود بدل ساخته بود، بدنهای دو سال تهاجم اقتصادی اقتضای
سطح جنبش کارگران، دو سال سکوب می‌رزات برق شوده‌های کارگر
و زحمتکش و دو سال اتخاذ ارتقا یافته‌ای ترین سیاست‌های اقتصادی، سیاسی
و فرهنگی از یکسو، دو سال مداومت جنبش انقلابی خلق کرد، دو سال
پیکری جنبش شورایی در میان کارگران و اقتدار تحت ستم و دموکرات
جامه، دو سال رشد آگاهی سیاسی عمومی توده‌ها و بطور خلاصه
دو سال تدقیق دموکراتیسم مورد نیاز توده‌های کارگر و زحمتکش و سازمان
دیگر، ایمک دیگر بخش وسیعی از توده‌های کارگر و زحمتکش و سازمان
های سیاسی انقلابی آنان - گرچه عمدتاً به دنبال توده‌ها - نه تنها

خواهد برد . بهر رو حزب خواهد کوشید تا سیاست خود را تا خلی بده
کامل از جناح لیبرال ادامه دهد و هر نوع ایستادن در میان راه و
با دست برداشتن از تعریف تا پسک کامه کردن کامل (هر چند
موری) قدرت ، به مکوس شدن ووند اوضاع به زیان او خواهد نماید.

ب - عملکرد لیبرالها در شرایط حاضر در عین سرخوردار بودن
از خماینی کلاسیک خود ، از نظر دورنمای شهابی دارای وجود و سرمای
است . لیبرالها که ناقوس مرگ رژیم را شنبه‌اند ، چون همیشه به
ایوزیسیون می‌پیوندند تا استقلال را به سازش ، رکود و تسلیم
پکشند و از پیش افتادن چنین بروولتیری در صفوای ایوزیسیون اغلبلی
جلوگیری کنند و از اندام و جوارح حکومتی که می‌بود سدت توده‌ها
بربر کشیده شود ، هر آنچه برای سورزاوی حیاتی ، ضروری و مفید
است (قوانین ، دستگاه منظم سرکوب و بیوهه ارتضی حرفلهای
بوروگراسی ممتاز ، دادگاهها ، زندانها و ...) را از تیسر روس
استقلاب مهون دارند . اینترا ، یعنی نقش کلاسیک عملکرد لیبرالها
را ، انتقال و تبادل بهمن به روشنی به شیوه رسانیده است . اما
در شرایط حاضر لیبرالها نه صرفاً به حفظ میانه حکومت سورزاوی
بلکه به ارتقاء شکل آن و انسجام باشیدن به آن نیز می‌اندیشند .
لیبرالها می‌توانند و می‌بینند تا در حورت تمکین توده‌ها ، جنگش
نوین شوده‌ای بر علیه جمهوری اسلامی را به ایزاری در خدمت پایان
باشیدن به "دوره انتقالی جمهوری اسلامی" و سپردن قدرت بـ

حکومتی پایدار و از نظر بخواه و شیوه‌های عمل متناسب بـ

بورزاوی ایران و در یک کلام به حکومت نوع آربا مهربی سدل سازند .
اینکه لیبرالها تا چه حد به نقش ایزاری خود در تحقق این دورنمای
و اقتضان ، در اینجا مورد بحث نیست . آنچه مهم است معنای عملی
شارها و شیوه‌های ایوزیسیون لیبرال و خطرات تمکین توده‌ها به
این شماره و شیوه هاست .

دورنمای حرکت جریانات بورزا - لیبرال چندین است . اینسان
به سیاق خاشنمه همینگی شان در جریان تهاجم اولیه حزب سکوت

از عواطف مذهبی که عملکرد سیاسی - اقتصادی رژیم را
"اصلاحیت" این می‌بخشد و یا همین از چنگال تسلیفات توخالی
"مد امیریالیستی" رژیم ترهیده‌اند . به این مجموعه با پجریانات
ضددموکراتیک و مذکارگری فرمت طلب و توطئه‌گری از نوع حزب شوده و
اکثریت "را نیز اغافه نمود که بـ" رژیم را برای جلوگیری
از اعلیٰ دموکراسی انقلابی و مارکسیسم انقلابی ، سلط طوابع
اقتصادی و بالاچی تجارتی با شوروی و کشورهای اروپای شرقی ، و
بعنای مهلت و فرضیه برای آماده کردن خوبی برای کسب قدرت از بالا .
برای مدت معینی غالی از قابه نمی‌داند و خود به منحط ترین
ابرار سلطه رژیم بدل شده‌اند . در چنین شرایطی رژیم با انکه به
تمامی امکانات فوق خواهد کوشید تا با سرکوب چنین گمونیستی ،
کارگری و انقلابی ، یعنی با جلوگیری از شکل کیری آن شروهای
واقعی که می‌توانند و می‌باید در آینده ای که جهان دور در مقابل
تعزیز نهابی امیریالیسم استادگی کنند ، و سایه‌جاد رویه انتقام
و محافظه کاری در توده‌های کارگر و زحمتشک ، مظلوبت و اهمیت
بقاء خود را برای بورزاوی و امیریالیسم بازیگر گویند کنند
و حمایت آن را بخود جلب نماید . از این‌نحو بقا حکومت از هر ظرف
به توفيق او در سیاست سرکوب یستگی بافته است .

اما بدلالیل می‌بینی اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی که فوقاً بـ
برخط از آنها اشاره شد و نیز بدلالیل توازن موجود نیروهای طبقات
و بسط چنین توده‌ای ، حتی اگر رژیم در هفته‌های اول قادر به
پس راندن قهرآمیز موج اعتراضات توده‌ای و سربوش گذاشت بـ

مغلقات بهایی بـ" بقا خود گردد ، توان استمرا و باشیدن به ثبات خود
را خواهد داشت و در مقابل ایوزیسیونی که در مقابل آن مجتمع
شده است ، شهاج رژیم ناگزیر به رکود کشیده شده و موج تمرس
نیروهای سیاسی مختلف و چنین توده‌ای ، در مقابله سیمانی آغاز
خواهد گشت . تعریف حزب به همین ایزاری ، در ادامه خود به عکس
خود بدل شده و نفس موجودیت رژیم جمهوری اسلامی را بزیر سوال

توفيق دورنمای سلطه متببدانه بورژوازی و پیشروی کارگران و
زمینکنان ترسیم می‌گشتند. شفاقت مرفا در اینجاست که اگر حزب جمهوری
اسلامی بلانامله و مستقبلاً این دورنمای ارشادگار خاموسی شبات آن به
عمل در آورد، حرکت لیبرالها برای بورژوازی سهل دستیابی می‌نماید
دیگران تصوری ای بخته تربوای شبات نی است.

۵ - لازم است به چند عامل مهم در روند شکل کنیری خدا شغل بورژوا می‌
شاره کنیم .

۱- مصالح ارشت رژیم جمهوری اسلامی، بوبیزه جناح لیبرال آن، در
طبی دو سال گذشته تا حد زیادی توفیق پا گرفته است ارشت تیمساران را تظاهر
و بازاری ساید. امروز راش می‌ودنباشد فاکتور سیاسی مهمی در معا dalle
قدرت تبدیل شود.

الف - حزب جمهوری اسلامی نمی‌تواند ارشت را به ابرار فعال در
پیش دسیاست تهاجمی کنونی خود تبدیل کند. حزب می‌کوشد ارشت را در
رقابت‌های موجود للا قل بی طرفگشته. در غیاب دخالت فعال ارشت رژیم
از امکانات گسترش‌های سرای سوکوب طولانی مدت برخوردار نیست .

ب - گرایش ارشت در سطوح فرمایندگی به لیبرالها و بندهادر مقطع
کنونی گله‌های از گرایش هم‌مومی آنها به حکومت نوچ را بمهربانی سنت ،
می‌تواند بازی در درجه‌های پیش‌شروعی لیبرالها بگشند و نگوشت‌های خوبی‌اشد.

ج - "پی‌طرفسی و استقلال سیاسی ارشت" ، که از جانب حزب به
معنای عدم حمایت ارشت از لیبرالها و از جایت ارشت به معنای عدم
حمایت فعال از حزب تفسیر می‌شود، خود عالمی در جهت تبدیل ارشت
به قطب ثالثی در معا dalle قدرت است که در صورت بازگشتن سان و
ساینده سیاسی خود در سطح جامعه می‌تواند دخالت مستقل ارشت را
به منابع تا جای کنور از هرج و مرج " در خدمت بورژوازی و
امبریالیسم تسهیل کند .

د - انفعال ارشت و مصالح جنگ؛ ارشت هرقدیستواند در ظاهر
امروزه اداری آن را به جمهوری اسلامی اعلام نماید ، به سودگری

گردد و صرفاً با مشاهده طلبی‌های آغاز شعری گسترده توده‌ای و بسیار
رکود کشیده شدن حملات حزب سر از سوراخ بیرون خواهد شد آورد .
لیبرالها خواهند کوشید تا خود به سردمداران آلتمنا شو خدا نقلایی
بورژوازی تبدیل شده و سوار بر موج توده‌ها دست در دست ارشت
و حتی المقدور با حمایت مجاہدین خلق به قدرت باز گردند . اما
شک نماید کرد که اولاً در ورای لفاظی‌های لیبرالها در بسیاره
دموکراسی ، لفاظی‌هایی که حرکت دموکراسی انتقلابی جامعه می‌آسان
تحصیل می‌گشند، محتوای عملی حرکت لیبرالها : شفیر و انسجام
بخشیدن به دستگاه‌های متعارف سکوی طبقاتی (ارشت جرفه‌ای ،
بوروکراسی مافوق مردم ، توانین بورژوازی و ...) و مسلط کردن
آنها بر جامعه از طریق اصحاب نعمای ارکانها و تحملیات اعمال اراده
ستقیم توده‌های انتقلابی است . در پس لفاظی‌های لیبرالها در بسیاره
آزادی ، هواست و هدف استقرار نظام و قانون مذاقబی بورژوازی
نهفت است . ثانیاً ، صرف نظر از هر آنچه لیبرالها بخواهند یا
بگویند ، حکومتی که امکان نماید در موروث ت Sofiq آشنا ، بر این
ارکانهای ساخته و پرداخته نکند، دیگران تشوری آشکار نمی‌شوند
آریا مهربانی است . دیگران تشوری ای که لبه شیر عملکرد آن بلافاصله
و عمده‌تا سر علیه اردوگاه انتقلاب و بوبیزه جنبش کارگری و گمونیستی
خواهد بود .

۴ - بسیاری‌سین توتی‌بی‌بهران می‌باشی موجود ، تا آنجا که بسیار
بورژوازی و امبریالیسم باز می‌گردد ، در بجه‌ای بروای ته‌جم شویسن
به اردوگاه انتقلاب و بالآخر جنگ کارگری و گمونیستی می‌گشاید . چه
حرکت‌که هم اکنون و بلانامله تهاجم سیمانه خویش را آغاز گشوده
است و مذبوحات می‌گوشد تا با توفیق در این امر ، مظلومیت خود
را سرای بورژوازی و امبریالیسم خاطر نشان سازد ، و چه لیبرالها
که امروز در اپوزیسیون فرار گرفته‌اند و نویس دموکراسی نیم بندی
می‌دهند ، بایه‌های متعارف دولت بورژوازی را تحکیم می‌گشند و
مقدمات اصحاب اعمال اراده توده‌ای را فراهم می‌گشند ، هدود در صورت

و انفعال گشیده شده و در همین اینکه در گوتاه مدت عملکرم تاثیر
می‌شود، در تحلیل نهادی به زمینه مساعده برای قدرت گرفتاری
اپورسیون بورزووا - امپرالیستی و به ابزار مساعده در تحمل
آلترناتیو نهاد انتقامی بورزوواشی در جامعه تبدیل خواهد شد. حرب
جمهوری اسلامی نهاد انتشار را به ابزار فعالی در خدمت تصویض
خود تبدیل کند. در همین رابطه مساله جنگ می‌تواند دجاج تحولات
سبتاً سربی گردد. انفعال ارش و سقوط سی صدر اوضاع جبهه‌ها
را بسد عراق تعبیر خواهد داد و این خود در فعال کردن اپورسیون
بورزوواشی سرای شبلیخ می‌گیرد. مدت بورزوواشی تمام عباراً از این زدن به
گروهات ناسیونالیستی، تحت نهاد استقرار "نظم" ، اعاده چیزیست
"ملی" و پس گرفتن اراضی و شهرهای اشغالی و تسویه حساب با رژیم
جمهوری اسلامی به عنوان "بانی انحطاط ایران" نقش موثری خواهد
داشت.

۴ - مجاہدین خلق به مثابه مشکل ترین و وسیع ترین نیروی
سازمانده مقاومت توده‌ای در مقابل تعریف بلاقلح حرب، با توجه به
محتمل گیری آشکارشان بسوی امپرالیستی و استنکاف‌شان، ارساماندهی
و پسیح قدرت مستقل توده‌ای تحت پرچمی مستقل از امپرالیسم، خواه
ناخواه به عاملی در تقویت جناح لیبرال در می‌زد و بر سر قدرت
بدل نهاده‌اند، و این امر اگرچه در گوتاه مدت قائمت مجاہدین
را در پسیح کمیت پیشتری از مردم در مقابل حرب افزایش می‌دهد،
لیکن فقادان استقلال سیاسی و فقادان مرزبندی‌های روش و علتی
میان اهداف و شمارهای مجاہدین با جریانات بورزووا - لیبرال،
علاوه بر متزلزل گردن پایه‌های مقاومت در شرایط حاضر، در گام بعد
نهیز دست بورزووازی و از سوکوب قدرت توده‌ای و ارکانهای آن بساز
می‌گند.

۵ - از سوی دیگر با توجه به :

۱ - زمینه‌های عینی و ذهنی مساعده برای شکل گیری ، تسدیم

و بسط مقاومت توده‌ای در مقابل ملت‌های حرب برای استقرار حکومت
نرور

۲ - انزوای سیاسی و سردگی و استعمال تاکتیکی رزمه

۳ - غلب نشینی جریانات بورزووا - لیبرال در این‌دای امسر و
آشکار شدن متزلزل آنها در مقابل با تهاجم حرب و عجز آن‌هادرانکا
به جست‌توده‌ای

۴ - سردگی ، انفعال و "تی طرفی" ارش

۵ - زمینه‌های مساعده که سرای تحریص چنین خلق کرد سوچود
آمده است (بحصوی باسته شدن در سازش حزب دموکرات‌با رژیم که
از مجرای جناح پسی صدر صورت می‌پذیرفت، هرجند که تزدیکی حزب
دموکرات‌با لیبرال‌ها ، مجاہدین و لاجرم و در تحلیل نهادی بالارتش
این امکان را همراه باز می‌گذارد که حزب دموکرات‌با تیز حملات
خود را متوجه مقاومت اتفاقاً در گردستان نماید)، شرایط سیار مساعده
برای اراده و بسط آلترناتیو بروولتري و تحکیم چنین کمونیستی و
کارگری به مثابه یک آلترناتیو سیاسی در جامعه فراهم آمده
است. تحقق این امسر ، اماق و روح عمومی وظایف کمونیستها در
شرایط حاضر و در دل شمولانی است که به موقع می‌پیوندد . سیاست
ما می‌تواند در تحلیل نهادی سا دوکانه گردن عملی قدرت سیاسی
در حامه سود کارگران و زحمکنان به پیش رود . اساس حکومت
ما در دوره‌ای که آغاز شده است این است: "سازماندهی اعمال قدرت
مقتضم توده‌ای از پاپین ، از طرق ارگا سهای دموکراتیک به مظلوم
فتح سکرهاي انقلاب" ، بعضی باید از دل سوران موجود، طبقه کارگری
مشکل تر، به قدرت مستقل طبقاً تی خود منکر تر و با جنگ‌شی
کمونیستی در آمیخته تر بوجود آید . طبقه‌ای که بک پای بالغسل
هر چال بر سر قدرت سیاسی ، و به این اعتبار پیش‌انگاره‌گاه
انقلاب باشد . مالک‌مونیستها باید سکرهاي دموکراسی و انقلاب را
اینبار آگاهانه . نفعه مند و به نیروی عمل مستقم توده‌ها

و در راس آنها طبقه کارگر یک به یک تضخیر کنند . ما باشد کاری کنیم که حتی اگر بعرا ن بالائی ها به سود نایندگان سیاسی ایده آل سورزاوی و امپریالیسم فیصله باشد، این توکران منحدر شده بورزاوی با صفوپسیار قدرتمند تر انقلاب و طبقه کارگر مواجه باشد و سرنوشت و فرجام بعرا ن سورزاوی ، سرنوشت و فرجام انقلاب را تعیین مکنند .

۷ - شک نیست که سیاست ما بر ازبایی ما از محروم سودن مقاومت شوده ای در مقابل حزب و گسترش تعریف شده ای که با شکست سیاست های حزب نکل میگیرد، استوار است . این موج گستردگی تعریف قطعاً جمیع نیست، اما بر اساس ارزیابی ما از سیر حرکت طبقات جامعه ، یک ضرورت تاریخی هست . آنچه این تعریف را به واقعیتی بالتفعل تبدیل میکند، تا حدود زیادی حرکت سیروهای سیاسی است . هر چند در ابتدای امر (اول تهاجم حزب) ناشرات عنین کمونیستی بر سر عمومی و قابع تحت الشاع حرکات جناح بینی صدر و مجاہدین خلق فرا و میگیرد، اما اتخاذ سیاست مستقل پیرولوسری از جانب کمونیستها عین تواند اولاً خود را خودی در سوق دادن نیروهای ای ناپیگیر به مقاومت و تعریض موثر باشد و نایاب این امکان را افراد میآورد که حتی در هورت نکنست . عقب شیخی و با سارش این نیروهای (که باید هشواره کوش برترگ آن بود) در میان مدت کمونیستها به انتقام تلافی که در بیداری و بسیج سیاسی مستقل طبقه کارگر و بدبال او ندوهای رحمتکش بکار میبرند ، و به انتقام اثکال مهین و تعریف شده ای که باید از هم اکسون سرای بسیج عملی این قدرت تبلیغ و سارماندهی کنند، و خلاصه به انتقام استقلال سیاست خود از بورزاوی و خرد بورزاوی ، سهم مشوی در آغار مسح و سیع تعریف شده ای بر محور انتقامی جنبش کارگری داشته باشد .

۸ - تحقق عملی ابراز وجود مستقل طبقه کارگر به منابع رهبر اردواگاه انقلاب در جداول واقعی قدرت ، قطعاً منوط به تدقیق گامهای عملی کمونیستها در عرصه های مختلف و بیگیری ما در اتخاذ منظم

گامهای هرچه بیشتری از نقشه عمل عمومی ما در جربان تحولات جاری است . رژیم جمهوری اسلامی به آخر کار خود رسیده است و سورزاوی نیز خواهان جایگزینی آن گشته است . در این شرایط مبارزه ما برای طرح ، ارائه و سازماندهی آندرناستیو مستقبل برولتري ، منکر بر برنامه ای کمونیستی و عمل مستقیم طبقه ، میتواند و میوود شا کمونیست را در ایران سرای بختمن مار بے پرجم بخش مشوی از طبقه کارگر تبدیل کند و عنین کمونیستی را سربیا با افتخار پیشوپ برولتاریا بیرون دهد . بیرونی ما در این مبارزه تعیین گشته بی شک سلتزم درکت آگاهانه و سریع مسا در جهت وحدت عنین کمونیستی حول پرجم بروناه و ناکنیک لندنی است . این برنامه امروز وجود دارد . از سوی دیگر حزب را در دل انقلاب بهتر و سریع تر میتوان ساخت . جه در چنین شرایطی است که نوده های کارگر و سیما به برخورده کلیت رژیم ساسی و اقتصادی کنایده میشوند و در زمینه های ایدئولوژیک ، ساسی و تکنیکالی ناگزیر به انتخاب میگردند . و باز در چنین شرایطی است که سرزمایی های میهمان مارکسیسم انقلابی با روپریونیسم و اپورتونیسم در برنامه و ناکنیک ، جلوه طبقاتی آشکار میباشد و امکان انتخاب در سطح گسترده سرای پیشوپان طبقه کارگر فراهم میآید ، و با لافره در حسن شرایط است که نیازهای عملی مبارزه ، و خدمت عملی م بل هاشی را که در اصول برنامه و ناکنیک تواافق دارند سناکید میکند و سفن مکتاریستی و خرد بورزاوی عنین جوان کمونیستی ما را عصیتاً به زیر سوال میبرد . اعلان عنین کارگری و انقلابی ساده ترین شرایط را برای مزدیگ شدن به طبقه کمونیست ایجاد میکند . پس در تهییر عمومی ما از وظایف کمونیستها در شرایط حاضر ، هم کاتالیزه کردن نقشه مند قدرت سیاسی هرچه بیشتر به سمت طبقه کارگر و زحمتکشان تحتست و استثمار و ارگانهای توده ای آنان ، و هم رشد سریع جنبش واقعی کمونیستی و فرا هم آمدن زمینه های مساعد تشکیل حزب کمونیست جایگاه سیار مهمی را احراز میکند . دو وجه یک مبارزه واحد که کاملاً به پرانتیک

آگاهانه و پیگیر کمونیستها در این مقطع تعیین کننده بستگی
یافته است.

۹ - روش وظایف ما برای تحقق اهداف فوق به شرح زیر است:

الف - نباید اجازه داد رژیم جمهوری اسلامی در تشییت جو
اختناق موفق شود ، و در عین حال نباید مانع از آن شد که مقاومت
و اعتراضات توده‌ای شمار و جهت لیبرالی بخود بیندیرد . از یکسو
نباید تعریض حزب را امر خانگی بورزوایی و خد انتقلاب قلمداد گردد
و از مقابل آن کنار گشید و از سوی دیگر نباید در دفاع از سکر
های آزادی و انتقلاب و در شکل دادن به جنبش توده ای برای فتح
سنگرهای جدید خط و موز روش خود را با ابوزیسون بورزوایی
حکومت از دست داد . ما نباید با انتکاء به موج اعتراضی توده‌ها ،
در گشترش ابعاد و ارتفاع شمارها و شیوه‌های آن سکونیم . شرط
لازم این امر اینست که مقاومت توده‌ای را به مقاومت خیابانی
منحصر نگیریم و همگام با شلش در تبلیغ و سازماندهی ارگانهای
اعمال اراده توده‌ای (شوراهای ، کمیته‌های انتقلابی و ...) مقابله
با تعریض رژیم را به محلات ، مدارس ، ادارات و غیره و خصوصاً پارک‌
ها بسط دهیم . مثنا بر این مسلم است که کمونیستها نباید حدداً از
جنبش توده‌ای و مرفا به انتکاء شیروی خسود در مقابل شهادت هر جزء
با یافته.

ب - در زمینه تبلیغات و سازماندهی جنبش توده‌ای :

اولاً ، با اشکال مختلف پاسیفیم ، در میان توده‌ها ، و بسه
طريق اولی با تبلیغاتی که به این پاسیفیم دامن می‌ذند مطالبه
کنیم (اشکالی از قبیل بیت‌زدگی و مروعب شدن ؛ امید بصنعت سه
حرکات بالائی ها ؛ خانگی پنداشتن جنگ قدرت میان جهان‌جهانها ، بهی اهمیت
پنداشتن و سی تفاوتی در قبال آن ؛ روحیه تحکیم به دخالت ارش ،
ابوزیسون امیریالمیستی بختباری و ...) ؛ محدود دیدن ماهیت
ساله در حد عزل و نصب و شیوه‌های برق انتقلابی در نزد
کارگران و زحمتکشان و افتخار دموکرات‌جامعه افشا کنیم . بگوییم

ثانیاً ، از گشیده شدن توده‌ها به حمایت فعلی از این بسا
آن جناح درگیر مساحت کنیم و طریق اولی با تبلیغات شیوه‌های
سیاسی که توده‌ها را علاوه بر حمایت از این با آن فشر و میسروری
سیاسی بورزوایی درا می‌خواستند فاطحانه مبارزه کنیم .
با این منظور ، و با هدف اتخاذ سیاست مستقل پرولیتری ضروری
است :

ماهیت بحران سیاسی حکومت را در خطوط ساده و روشن برای
کارگران و زحمتکشان تشریح کنیم عواقب موقعيت حزب و با عاقب
قدرت پا بهی صعد سیاست بورزوایی لیبرال به انتکاء از شرای سرای انسان
توضیح دهیم . آنان را به قدرت مستقل خود در تعیین سرنوشت شان
واقف کنیم . سیو انتقلاب خود سهترین گواه شرایط محبوبیت پاری است
که توده‌ها ، هرگاه و هربری خود را بست این با آن شرایط شیوه‌ی سیاست
بورزوایی می‌سپارند ، بدان دجاجار می‌توند . از انتقلاب شاهد بگیریم
نه اهمیت شمارهای مستقل طبقاتی و انتقلابی ، و سویزه اهمیت
دخالت مستقل در امر تعیین سرنوشت قدرت را بروای کارگران توضیح
دهیم و ناگفته کنیم که "پاشیمی ها" می‌شونند و باید ارگانهای
توده‌ای خود چون شوراهای کارگری ، محلی و صنعتی ، کمیته های
انتقلابی با اهداف مشخص (چون شاین معیشت بیکاران ، مصادره مسکن
و ...) را ایجاد کنند و به انتکاء این ارگانها و با شمارهای
و شیوه‌های مستقل خود از پاشن اعمال اراده کنند . برویزه با پسند
بر ضرورت تشکیل حزب کمونیست ، بعنوان حزب مستقل طبقه کارگر
ناگفته کنیم .

جمهوری انتقلابی و روش محتوای آن را بعنوان هدف اردوگاه
انتقلاب تبلیغ کنیم و بند بند مطالبات اقتصادی و سیاسی جداً قابل
در برداشتم کمونیستها را بعنوان محتوای عملی این جمهوری تشریح
کنیم . کلیه جناهای بورزوایی و الترناشیوهای بورزوایی را در
تفاصل و تضاد با این اهداف و شیوه‌های برحق انتقلابی در نزد
کارگران و زحمتکشان و افتخار دموکرات‌جامعه افشا کنیم . بگوییم

که در مقابل عزب ، لیبرالها و دیگر شایندگان سیاسی بورژوازی که به انتقاد کامل طبقه کارگر ، شکست انقلاب و نهی کامل آزادی می‌اندیشند ، ما گروهیت‌ها به توده‌های کارگر و زحمتکش ، بسیار اگاهی توده‌ای انقلابی آنان ، به اراده مستقیم و ملح آنان تکبه می‌کنیم ، نا نان و آزادی را به ندرت خود آنان در غالب یک جمهوری انقلابی معین ، با قانون اساسی روش (بخش جدا قابل برنامه گروهیت‌ها) تحقق بخشم . به طبقه کارگر بگوییم که اما مصروف قدرت سیاسی نه میان دو جناح و دو قطب از سرمایه‌داران و نوکران سیاسی شان ، بلکه میان سه اردوانگاه میتواند دست بست شود ، و این اردوانگاه سوم ، اردوانگاه انقلاب به رهبری طبقه کارگر است که باید به اهداف مستقل خود و به قدرت خود واقع شود و مفهوم مستقل خسوس را ایجاد کند . میروم بودن شاشط حاضر را از نظر تحقق اهداف فوق برای کارگران و زحمتکشان بشکافیم و توضیح دهیم .

بگوییم نا شمار آنان ، آزادی ، جمهوری انقلابی " را بسته شمار عمومی کارگران و زحمتکشان تبدیل گنیم . اثکاء جمهوری انقلابی و آرگاهی توده‌ای قدرت توده‌ای (شوراها) تاکید گشته و خلاصت پند امپریالیستی برنامه جدا قابل گروهیت‌ها را توضیح دهیم ، با این به این شمار عام محتوای مدنی می‌باشد ، بهمروز تحریف طالبیات و شمارهای آکسیونی معین ، بهبادیم . آین شرط لازم می‌باشد از زندگان روی طبقه کارگر از آبوزدیدن غیر پرورانتر است . اینجا بوسیله اینهیت انقلاب روش می‌شود . مادران گه بورژوازی و پاخرده بورژوازی شدایم انقلابی طبقه آزادی بودن قیدو شرط " از نقطه نظر قدرت سیاسی را در دست داشته باشند و با در آن سهیم پاشند ، همسر تبع شرط و شروط در تحریف آزادی ، هرقدر هم " خلقی " و " انقلابی " باشد (آزادی هرای خلق و ...) توطیب بورژوازی علیه بروولتاریسا بکار گرفته خواهد شد . به آن دسته از نیروهای گروهیتی گسته می‌گویند از لذتی و بلشویکها به حال دموکراسی برای خلق ملسوخته باشند ، توضیح دهیم که خواست دموکراسی شرط ، وقتی به چنین می‌بینیم که مفسرین این شرط و شروط نیروهای سیاسی غیرپرولتری

خواهند سود ، سلاحی است که برای بورژوازی و بر علیه بروولتاریسا خداوند می‌شود . ما باید توده‌های کارگر و زحمتکش را به معاوازه برای آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی فرا خواهیم و بگوییم این در شمارهای توده‌ای منعکس باشد ناگفرا همچ بورژوازی وجه الملة و همچ خردمند بورژوازی به قدرت خردمندی نشواند ولی در سطح " قاتوی " سه آزادی فعالیت سیاسی مرای بروولتاریسا امقلایی (که فقط ارجاع بساستمداران بورژوازی ، ضد خلق ، ضد انقلاب ، ضد ملي ، اخلاص گرو ، افزایی ابورتونیست چب و ... لقب خواهد گرفت) شعرخواست .

با توجه به نقش بالقوه ارشت در شکل گیری صداستقلاب بورژوا - امپریالیستی ، صوری است در تبلیغات آگا هکاران خود سرساران و در خداداران ارشت را سیز طلاق فرار دهیم . آنان را به امتناع از تبدیل شدن به عما دست حرب ، لیبرالها و تیمساران آریا مهربانی و سه بیبوشن به مفوی کارگران و زحمتکشان انقلابی فرا بخواهیم . دورنمای حرکت ارشت را در خدمت فیصله دادن بحران بسیاد بورژوازی در اشکال مختلف توضیح دهیم صرور تحقیک شوراهای انقلابی سربازان و درجه‌داران و بیبوشن این شوراها به مفوی جنبش انقلابی را تبدیل گنیم .

با رکود تصرف حرب و اوجگیری تصرف توده‌ای ، تبلیغات ما باید اساساً وجهی آکسیونی و قوری بخود بپذیرد . ما باید کارگران و زحمتکشان را به دست به کار شدن و عمل کردن هرچه سریعتر می‌ایدند و شمارهای انقلابی که تبلیغ کرده‌ایم ، فرا بخواهیم ، و خسود در راس این حرکات مستقیم توده‌ای فرار می‌کیریم . در جریان تصرف توده‌ای ساید عمل مستقیم طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش را در عرصه های مختلف بسط دهیم . رهبری کنیم و دستاوردهای سیاسی و تشکیلاتی آن را تثبیت گنیم . هدف ما ، به معای واقعی کلمه ، ایجاد ارگاهی تقدرت کارگری و توده‌ای در جهت و سمعت دوگاه کردن عملی قدرت سیاسی در کل جامعه است . در جریان تصرف توده‌ای سرعت عمل و داشتن برنامه و نقشه عمل روش اهمیت بسیار دارد و مسا

مطلوبات و اهداف انقلاب از نقطه نظر بروولتاریا کنکدو یا فاشیست کنیم . هر وحدت تاکتیکی ، اتحاد عمل و جبهه واحدی که به قیمت منحل شدن خواستها و شمارهای بروولتی درخواستها و شمارهای ابوزیسیون غیر بروولتی مبنی شود ، در آذاده خود ، همچنان که تعبیره قیام بینن به روشی مشابه دارد ، به سازش طبقاتی بروولتاریا و آغاز موج توبیخی در سرکوب جنبش کمونیستی و کارگری صورت خواهد شد .

۴ - چهاریانه روزیزیونسترو ^{ایپو-جنیش} برو-جنیش فد کارگری و مددموکراتیک از نوع حزب توده ، اکتربیت و حزب رنجبران را باید قاطعاً نهاد در نزد سودهای افتخار کرد . انقلاب باید این شکران نازه مدوران رسیده بورژوازی و امیرالی پسر ادر طول همین پرسوه از سر راه خود چارو کشد .

۵ - به نقد کراپش های انتحرافی جنبش کمونیستی ، بخصوص در زمینه تاکتیک باید شدت بخشید . نیروهایی که به عناجهای حاکمیت سرخپروردی متزلزل دارند ، و با اشکال دیگر خزینه بورژوازی به سمت قدرت را نمیدهند می گیرند ، در عمل راهگشای سازش طبقاتی و غقادن قاطعیت در نزد بروولتاریا اصلخای خواهند بود . تعبیره قیام بهمن و عملکرد محافظه کارانه و سازش طلبانه گروههای متوجه سمه بورژوازی "ملی" در خاطر همه کمونیستها و کارگران انقلابی ساقی است . اینباره نیاید به اینکوئه انتحرافات ، باشد که در انتقالی جدید ، میدان داد .

آنچه گفتیم اساس و روش و طایفی است که به اعتقاد ما امروز پیشوایی کمونیستهای ایران قرار گرفته است . شکنیست که پیشتر سازه علی در عرصه هایی که گفتیم مستلزم تدقیق شمارهای و طرح آکسیون های مطبقة با سیاست فوق در عرصه های مختلف می رزه است . ما به سهم خود در ارائه استنتاجات دقیق تر و عملی تر بر اثربک و آکسیونی از این سیاست عمومی و اتخاذ آن با حداقل شرط توان خود خواهیم کوشید .

اتحاد مبارزان کمونیست

۹۷

از هم اکنون باید در تبلیغات خود جنبش کارگری و توده ای را به این ساله مخطوط کنیم .

باید از هم اکنون انتقال اعمال اراده و ارگانهای قدرت را شاخت . تبلیغ کرد و برای تحقق عملی آن آماده شد . شوراهای کمیته های انقلابی در کارخانجات ، اتحاد کارگری علیه بیکاری ، کمیته های استقلالی و شوراهای دانش آموزان و دانشجویان ، کمیته های توده ای و پیزه برخورده به ساله ممکن ، مایحتاج عمومی و ... سراسری کردن حرکات شورا شی ایجاد مرکز تجمع کارگری (خانه کارگر) ، سناad اتحاد کارگری علیه بیکاری و ...) از طریق سیچ کارگران برای اشغال اماکن و امکانات مورده نظر ، مهادره کالاهای اسکار شده سرمایه داران به نفع جنبش کارگری و توده های کارگر و زحمتکش ، با نیروی مستقم توده ها ، تشکیل شوراهای انتخابی و انتخابی های برای حفظ و بسط قدرت مستقمی توده ای ، بازگشایی دانشگاه های دموکراتیک و ... همه و همه تا اعلام بکجا نیه قانون اساسی انقلابی کشور و قانون کار مبتنی بر سرماهه حداقل کمونیستها ، از جانب شوراهای کارگری و ارگانهای قدرت توده ای ادر مقابله قانونیت بورژوازی) ، سلیح توده ای ، و ... در دورنمای عمومی حرکت مسا با آغاز تعریض و سیچ توده ها به رژیم قرار می گیرد . بدرجدهای که ما در بسط انقلاب ، ممکنی بر نیروی مستقل کارگران و زحمتکشان و ارگانهای انقلابی توده ای موفق شویم ، بهمان درجه سریوش قدرت سیاسی در کشور را از عینه تحولات در سالا بیرون گشیده ایم ، قانونیت هر دولت بورژوازی را در "مرکز" بزرگ سوال گشیده ایم و دورنمای حفظ و بسط شرایط انقلابی و دموکراتیک برای سیچ کل طبقه را ملموس تر و متحمل شر کوده ایم . انتکا به عمل مستقمی طبقه کارگر و توده های زحمتکش و به ارگانهای قدرت توده ای شرط لزم مقابله با تهاجم نهایی است که بورژوازی با بایان دادن به بحرا حکومتی اش بدان دست خواهد زد .

۳ - در برخورد به نیروهای ابوزیسیون دموکرات غیر بروولتی ، سر

دخترباداً فخر

در تکثیر و پخش این
بیانیه بگوشید

نحویز: رانشجویان هم از اتحاد سازمان کمیته است در آستانه نورال و برلن غریب